

چگونگی شستن صورت در وضو نزد فریقین

علی قمی

مقدمه

اولین وظیفه واجب در وضو که در آیه ۶ سوره مائده نیز آمده، شستن صورت است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ (مائده: ۶)

«ای کسانی که ایمان آوردید، هرگاه اراده نماز کردید [وضو ساخته] پس صورت‌ها و دست‌های خویش را با مرفق بشوید و سر و پاهایتان را تا برآمدگی مسح کنید.»

در مورد اصل وظیفه که شستن صورت در وضو است، میان شیعه و سنی اختلاف نظر وجود ندارد و همه فرق اسلامی بر این موضوع اتفاق نظر دارند اما آنچه بین فقهای فرق اسلامی اختلاف است درباره کیفیت و محدوده شستن صورت در وضو است که در این باره از دیدگاه فریقین موضوعاتی را مطرح خواهیم کرد.

محدوده شستن صورت در وضو، از نگاه امامیه

فقهای امامیه محدوده واجب شستن صورت را از ناحیه طول، از محل رویش موی سر تا پایین چانه دانسته و از ناحیه عرض، محدوده‌ای را واجب می‌شمارند که بین انگشت ابهام و

شست قرار می‌گیرد:

«محدوده واجب در وضو پیرامون شستن صورت از رویشگاه موی سر است تا پایین چانه، از ناحیه طول و آنچه بین انگشت شست و میانی قرار می‌گیرد، از ناحیه عرض.»^۱

فقه‌های امامیه نیز بر این فتوا و نظریه‌اند و مخالفی در این باب وجود ندارد. امام

خمینی علیه السلام می‌فرمایند:

«واجب در وضو شستن صورت است... و مقصود از صورت آن است که از جهت طول بین رویشگاه موی سر و پایین چانه قرار می‌گیرد و از جهت عرض آنچه بین انگشت میانی و انگشت شصت قرار می‌گیرد که این وجوب برای کسی که اعضای متناسب دارد (یعنی دست و صورت او متعادل و از نظر آفرینش طبیعی و بزرگتر و یا کوچک‌تر نباشد) ثابت است و کسی که این‌گونه نیست وظیفه مکلف مستوی الأعضاء را انجام می‌دهد.

اما آنچه از این محدوده خارج است، غسل و شستن آن واجب نیست.

بله، از باب مقدمه علمی (یقین به ساقط شدن تکلیف از گردن مکلف و حصول براءة ذمه) واجب است مقداری از آنچه خارج از این محدوده است نیز شسته شود تا یقین به شستن تمام حد واجب حاصل گردد.^۲

از لابلای آنچه گذشت، می‌توان نظرات فقهی علمای امامیه را دریافت که به طور کلی پیرامون این محدوده اتفاق نظر دارند.

۱. «حد الوجه الذي يجب غسله: فحده عندنا من قصاص شعر الرأس إلى محادر شعر الذقن طولاً، وما دخل بين الإبهام والوسطى عرضاً». (راوندی، قطب‌الدین، فقه القرآن، قم، ۱۴۰۵ ق. / ج ۱، ص ۳۴).

۲. «و المراد بالوجه، ما بين قصاص الشعر و طرف الذقن طولاً و ما دارت عليه الإبهام و الوسطى من متناسب الأعضاء عرضاً، و غيره يرجع إليه، فما خرج عن ذلك لا يجب غسله، نعم يجب غسل شيء مما خرج عن الحد المذكور مقدمه لتحصیل اليقین بغسل تمام ما اشتمل عليه الحد»، امام خمینی، روح الله «تحریر الوسیله» ج ۱، ص ۲۱

استدلال امامیه بر محدودۀ واجب

دو دلیل امامیه در محدودۀ واجب صورت در وضو:

۱. سیره اهل بیت علیهم السلام

سیره و روش اهل بیت علیهم السلام در روایات بیانیه، محدودۀ واجب صورت را همان حد و اندازه‌ای دانسته‌اند که بیشتر اشاره شد:

«قَالَ زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام أَخْبَرَنِي عَنْ حَدِّ الْوَجْهِ الَّذِي يَنْبَغِي أَنْ يُوَضَّأَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - فَقَالَ: الْوَجْهُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ وَ أَمَرَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - بِغَسْلِهِ الَّذِي لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَزِيدَ عَلَيْهِ وَلَا يَنْقُصَ مِنْهُ إِنَّ زَادَ عَلَيْهِ لَمْ يُؤْجَرْ وَإِنْ نَقَصَ مِنْهُ أَيْمَ مَا دَارَتْ عَلَيْهِ الْوُسْطَى وَالْإِبْهَامُ مِنْ قُصَاصِ شَعْرِ الرَّأْسِ إِلَى الذَّقْنِ وَمَا جَرَتْ عَلَيْهِ الْإِضْبَعَانِ مُسْتَدِيرًا فَهُوَ مِنَ الْوَجْهِ وَمَا سِوَى ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ الْوَجْهِ فَقَالَ لَهُ الصُّدْعُ مِنَ الْوَجْهِ فَقَالَ لَا...». (شیخ صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۴۴، ح ۸۸)

«زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد محدودۀ صورت که خداوند متعال شستن آن را در وضو واجب کرده، پرسیدم. حضرت فرمودند: خداوند آن را بیان فرموده و دستور به شستنش داده است و شایسته [جایز] نیست کسی بر آن بیفزاید یا از آن بکاهد؛ چرا که اگر بر آن بیافزاید پاداشی نخواهد داشت و اگر از آن بکاهد گناه کار است.

آنچه میان انگشت میانی و ابهام قرار گرفته و از رویشگاه مو تا پایین چانه ادامه دارد و آنچه آن دو انگشت در حال دایره‌ای، آن را در برمی‌گیرد (وجه است) و شستن آن واجب و سوای آن، جزو وجه و صورت حساب نمی‌شود.

زراره از امام علیه السلام می‌پرسد: آیا صدغ (= دو رگ پایین بنا گوش) جزو صورت است؟ حضرت می‌فرمایند: خیر...» (بستانی / رضا مهیار، ۱۳۷۵ ش. ص ۸۴)

۲. اجماع فقها

دلیل دیگر امامیه در محدودۀ واجب صورت، اجماع فقها است که شیخ طوسی چنین اجماعی را نقل کرده، می‌گوید: فقها درباره این موضوع هیچ اختلاف نظری نداشته و همه بر این مطلب توافق دارند، (طوسی، اول، قم، ۱۴۰۷ ق. / ج ۱، ص ۷۶).

علاوه بر این، با توجه به معنای وجه و صورت، می‌توان گفت که حد ثابت شده، همان محدوده‌ای است گفته شد و اگر بنا باشد افزون بر این محدوده را قائل شویم، نیازمند دلیل دیگری هستیم که آن را اثبات کند.

چگونگی شستن صورت نزد امامیه

امامیه بر این عقیده‌اند که شستن صورت باید از بالا به پایین باشد و غیر از این مجزی نبوده و جایز نیست:

مسأله: «امامیه بر این عقیده‌اند که واجب است صورت را از بالا شسته و عکس این موضوع جایز نیست.»^۱

هر چند برخی از فقها در این باره فتوای صریح نداده و گفته‌اند که وظیفه در آن نیز عمل بر طبق احتیاط واجب است، اما فتوایی که نوع شستن را، هر گونه که باشد، مجاز بدانند؛ حتی از پایین به بالا! وجود ندارد. ایشان همچنین فرموده‌اند:

مسأله: «بنا بر احتیاط واجب باید شستن صورت از بالا صورت گیرد و بنا بر احتیاط جایز نیست که برعکس این فعل انجام شود.»^۲

ظاهراً مستند امامیه بر این وجوب، همان وضو به شیوه اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد، (شیخ صدوق، دوّم، بی تا، ج ۱، ص ۴۰، ح ۸۴).

کیفیت شستن صورت نزد امامیه

پس از فراغت از بحث در مورد «محدوده واجب در شستن صورت» و همچنین روش این شستن، این پرسش مطرح است که این شستن چگونه باید باشد؟ و در اعضای موجود در وجه،

۱. «و ذهب الامامية إلى وجوب الابتداء في غسل الوجه من الأعلى و عدم جواز النكس»، مغنیه، محمد جواد «الفقه علی المذاهب الخمسة» ج ۱، ص ۳۶

۲. «يجب علی الأحوط أن يكون الغسل من أعلى الوجه و لا يجوز علی الأحوط أن يكون الغسل منكوساً»، امام خمینی، روح الله «تحریر الوسيله» ج ۱، ص ۲۱

چه مقدار از آن‌ها باید شسته شود؟ و یا مکلفی که به عنوان مثال دارای محاسن است، وضوی او به چه شکل مجزی است و عمل واجبش چیست؟

میان فریقین در پاسخ به این پرسش‌ها اختلاف نظر وجود دارد که در این مجال نظر امامیه را در مورد این فروع فقهی بیان می‌کنیم:

الف) شستن باطن و یا به تعبیر دیگر، داخل اعضایی که در صورت وجود دارد؛ همچون چشمان، دماغ و... واجب نیست؛ «شستن چیزی از باطن اعضایی مثل چشم و دماغ آنچه از لبان هنگام بسته بودن ظاهر است واجب نیست».^۱

هرچند توجه به این مسأله ضروری است که همانند بحث‌های گذشته از باب مقدمه علمی باید مقداری در شستن این اعضا دقت شود.

ب) رساندن آب به آنچه محاسن (ریش، موی صورت) آن را پوشانده واجب نیست؛ «رساندن آب به آنچه موی صورت آن را پوشانده واجب نبوده و ریخته شدن و جاری شدن آب بر روی موی صورت مجزی و مکفیست».^۲

در روایتی که زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند به این «عدم وجوب» تصریح شده است؛ «... قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ مَا أَحَاطَ بِهِ الشَّعْرُ؟ فَقَالَ: كُلُّ مَا أَحَاطَ بِهِ مِنَ الشَّعْرِ فَلَيْسَ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَطْلُبُوهُ وَلَا يَبْحَثُوا عَنْهُ وَ لَكِنْ يُجْرَى عَلَيْهِ الْمَاءُ».

«از امام علیه السلام درباره قسمت‌هایی از صورت که مو آن‌ها را پوشانده است، سؤال شد که حضرت فرمودند: هر آنچه مو آن را پوشانده است نیازی به درخواست رسیدن آب به آن وجود ندارد و آب بر آن (مو) جاری می‌شود. (شیخ صدوق، دوّم، بی تا، ج ۱، ص ۴۴).

ج) آن مقدار از موی محاسن که در جهت طول و عرض صورت رها شده، نیازی به شستن در محدوده واجب صورت ندارد؛ چرا که آنچه واجب است خود صورت است نه محاسن و ریشی که رها شده؛ چرا که نام وجه (= صورت) نیز بر آن اطلاق

۱. «لا يجب غسل شيء من البواطن كالعين والأنف وما لا يظهر من الشفتين بعد الإنطباق»، امام خمینی، روح الله «تحریر

الوسيلة» ج ۱، ص ۲۲

۲. «إيصال الماء إلى ما يستر شعر اللحية وتخليلها غير واجب فيجزي في الوضوء امرار الماء على الشعر»، طوسی، محمد بن

حسن «الخلافة» ج ۱، ص ۷۵

نمی شود، علاوه بر این، شستن آن نیاز به دلیل دیگری داشته و براءت ذمه مکلف آن را نمی طلبد. (طوسی، اول، قم، ۱۴۰۷ق.ج ۱، ص ۷۷)

براین اساس، آنچه جزو وجه قرار گیرد، شستنش واجب است: امام خمینی علیه السلام می فرماید: «آنچه از محاسن رها شده، واجب نیست شسته شود اما آنچه از آن، در محدوده صورت قرار دارد واجب است شسته شود و آنچه واجب است همان شستن ظاهر است و تفاوتی در کمی و یا زیادی محاسن وجود ندارد، در جایی که در برگیری محاسن بر پوست صدق کند هر چند در جایی که محاسن کم باشد تخلیل (= رساندن آب به پوست) موافق با احتیاط است.»^۱

د رساندن آب وضو در صورت، به ریشه موهای صورت، واجب نیست؛ مثل موهای ابروان، مژگان، سیل و تارهای مویی که میان لب پایین و چانه است نیازی به رساندن آب به ریشه های آن ها نیست و صرف رها شدن و رسیدن آب به آن ها کفایت می کند. (طوسی، اول، قم، ۱۴۰۷ق.ج ۱، ص ۷۸)

آنچه بیان شد تمام گفتار پیرامون دیدگاه امامیه درباره محدودده، روش و کیفیت شستن صورت در وضو بود. حال به دیدگاه عامه در این باره خواهیم پرداخت.

محدوده شستن صورت در وضو، از نگاه اهل سنت

اهل سنت درباره محدودده صورت در وضو، نظریه واحدی ندارند و هر یک از مذاهب چهارگانه، نظریه جداگانه ای داده اند:

حنفی ها

محدوده واجب صورت را از رویشگاه موی سر تا پایین چانه می دانند و گوشها را هم جزو محدوده صورت می شمارند و در استدلال بر این گفتار گفته اند: وجه را از آن جهت به این نام خوانده اند که هرگاه کسی به انسان می نگرد، با آن مواجه و مقابل می شود. (سرخسی، ۱۴۱۴ق.ج ۱، ص ۱۰).

۱. «لا یجب غسل ما استرسل من اللحیه، أما ما دخل منها فی حد الوجه فیجب غسله، و الواجب غسل الظاهر منه من غیر فرق بین الكثیف و الخفیف مع صدق إحاطة الشعر بالبشرة و إن كان التخلیل فی الثانی أحوط». امام خمینی، روح الله «تحریر الوسيله» ج ۱، ص ۲۱

مالکی‌ها

محدوده واجب را، همانند فرق دیگر دانسته، با این تفاوت که عذار سفیدی که بین گوش‌ها و محاسن وجود دارد را جزو محدوده واجب نمی‌دانند و آن را خارج از محدوده واجب شمرده‌اند. (ابن رشد، خالد عطار، ۱۴۱۵، اول/ج ۱، ص ۱۲).

حنبلی‌ها

محدوده واجب را همانند بقیه فرق دانسته و به خلاف مالکیه، عذار را، که تعریف آن گذشت، داخل در محدوده واجب می‌دانند (ابن قدامه، تحقیق: جماعة من العلماء، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۰).

شافعی‌ها

محدوده واجب از دیدگاه شافعی‌ها، همانند بقیه فرقه‌های عامه می‌باشد. (شافعی، بی‌تا، بی‌جا، ج ۱، ص ۲۵)

روش شستن صورت نزد عامه

بیشتر گفته شد که فقه شیعه، شستن صورت از بالا به پایین را واجب و یا احتیاط واجب شمرده است اما در بین فرق عامه اینگونه نبوده و شستن به هر صورت که انجام شود، صحیح است، هر چند گفته شده، شروع از بالا اولویت دارد. (مغنیه، دهم، ۱۴۲۱ق. / ج ۱، ص ۳۵)

چگونگی شستن صورت نزد عامه

محدوده واجب غسل وجه و همچنین روش این غسل از دیدگاه عامه را دانستیم، اکنون مطالبی را که در کیفیت این شستشو، پرسش‌ها و فروع مطرح است، و در این مسأله، میان عامه اختلاف نظرهایی وجود دارد، در قالب فروع فقهی می‌آوریم:

الف) شستن باطن و داخل اعضای صورت واجب نیست؛ به عنوان نمونه، عقیده حنفی‌ها چنین است: «در شستن صورت، داخل کردن آن در چشمان شرط نیست؛ چرا که چشم پی و چربیست و آب را نمی‌پذیرد و همچنین در این کار احراج برای متوضی وجود دارد.» (سرخسی، ۱۴۱۴ق. / ج ۱، ص ۳۵)»

ب) در رساندن آب به آنچه محاسن (ریش و موی صورت) آن را پوشانده، میان عامّه اختلاف نظر وجود دارد؛ عده‌ای از ایشان همانند امامیه جاری شدن آب را بر روی محاسن کافی می‌دانند. (ابن رشد، خالد عطار، ۱۴۱۵، اول/ج ۱، ص ۱۰)

حنفی‌ها دو قول را نقل کرده‌اند: ۱. لازم است مکلف آب را بر محاسن جاری کند. ۲. لازم است بر یک چهارم از محاسن آب را جاری کند. (سرخسی، ۱۴۱۴ق. / ج ۱، ص ۸۰)

ج) آن مقدار از موی محاسن که در جهت طول و عرض رها شده‌است، نیازی به شستن ندارد. شافعی‌ها در یکی از دو قول خود این حکم را بیان کرده و با امامیه در این نظر موافق است. (خطیب شربینی، ۱۳۷۷ق. / ج ۱، ص ۵۲).

و حنفی‌ها نیز در این قول با شافعی‌ها و امامی‌ها همراهی می‌کنند. (سرخسی، ۱۴۱۴ق. / ج ۱، ص ۶).

د) رساندن آب وضو به ریشه موهای موجود در صورت واجب نیست؛ همانند موهای ابروان، مژگان، سیل و...

اما شافعی‌ها این عمل را واجب می‌دانند. (کاشانی، اول. ۱۳۲۷ق. / ج ۱، ص ۳).

نگاهی به آداب وضو نزد فریقین

از آنجا که وضو یکی از با فضیلت‌ترین اعمال و مقدمه برای برخی اعمال عبادی است که خداوند متعال بدون آن، اذن ورود به آن اعمال عبادی را نداده است. به یقین علاوه بر واجبات، دارای مستحبات و آدابی خواهد بود که مکلف در صورت اتیان آن‌ها از اجر و پاداشی مضاعف بهره خواهد برد و افزون بر آن، هنگامی که مکلف وضو می‌سازد، اگر حضور قلب بیشتری داشته باشد و مستحبات را رعایت کند می‌تواند در عمل واجب بعد از وضو؛ اعم از، نماز، طواف و... که نیاز به تحصیل این مقدمه واجب دارد، به توجه بیشتر و حضور قلب بالاتری دست یابد؛ چه آنکه یکی از راه‌های دستیابی به توجه و حضور قلب بیشتر در نماز، التفات و آگاهی هنگام انجام وضو است.

با توجه به تأکید و سفارش در مورد مستحبات و آداب وضو نزد فریقین، در استحباب برخی افعال اتفاق نظر و در برخی دیگر در شدت و ضعف و وجوب و یا استحباب آن‌ها اختلاف دیدگاه وجود دارد که در زیر به این موضوع خواهیم پرداخت.

تعریف فریقین از: مستحب، مندوب، سنت و...

قبل از ورود به اصل موضوع، توجه به این نکته ضروری است که آیا میان تعریف و معنای مستحب، مندوب، مسنون و... تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ پاسخ این است که میان دیدگاه‌های مذاهب مختلف عامه و امامیه در این باره اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی بر این باورند که همه این عبارات به یک معنی است و مترادف کلمات موجب تفاوت معنا و مصادیق نخواهد بود و مقصود از همه آن‌ها (مندوب، مستحب و...) عملی است که فاعل آن مثاب و تارک آن غیر معاقب است و اما گروه دیگر تفاوتی در معنا قائل شده‌اند:

شافعیه

پیروان این مذهب گفته‌اند: سنت، مندوب، مستحب و... الفاظ مترادف‌اند که همه یک معنا را می‌رسانند، بدین مقصود که آن چیزی است که از مکلف خواسته شده، اگر به آن عمل مباشرت ورزید پاداش خواهد داشت و اگر ترک کرد عقاب نمی‌شود. (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۴۳).

مالکیه

پیروان این مذهب می‌گویند: سنت آن است که شارع آن را درخواست کرده و نسبت به آن اهتمام ورزیده است، اما وجوبی بر آن مترتب نشده و اما مندوب آن است که شارع آن را درخواست کرده، لیکن تأکیدی بر آن نداشته است.

حنفیه

پیروان مذهب حنفیه می‌گویند: سنت به دو دسته تقسیم می‌شود: سنت موکده که در نزد ایشان همان معنای واجب را می‌دهد؛ چرا که ایشان در معنای واجب و فرض نیز تفاوت قائل شده و واجب را یک مرحله پایین‌تر از فرض می‌دانند؛ چرا که وجوبش با دلیلی متقن نبوده بلکه با شبهه و وجوب صورت گرفته است.

و سنت غیر موکده همان مندوب و مستحب می‌باشد.

حنابله

این گروه معتقدند تمامی الفاظ؛ مانند مندوب، مستحب و سنت الفاظی هستند مترادف که حامل معنای واحدند، با این تفاوت که سنت به موکده و غیر موکده تقسیم می‌شود و کسی که سنت مؤکد را ترک کند، مکروه انجام داده است.

امامیه

پیروان مذهب اهل بیت علیهم‌السلام می‌گویند: تفاوتی میان این اصطلاحات وجود نداشته و همه به معنای واحد و آن هم تحصیل ثواب در صورت انجام می‌باشد، بلکه در نزد امامیه نیز مستحب به مؤکد و غیر مؤکد تقسیم می‌شود. (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۴۴).
با توجه به آنچه گذشت و روشن شدن معنای اصطلاحات رایج در این باب، به شرح دیدگاه فریقین در این باره می‌پردازیم:

آداب وضو از دیدگاه امامیه

بنابر آنچه بیان شد امامیه تفاوتی میان مستحب و مندوب و سنن قائل نشده و همه را در یک جریان می‌دانند، اما برای آداب وضو در کتب فقها موضوعاتی با عنوان آداب وضو بیان شده است.

آداب وضو

۱. قراردادن ظرف وضو در جانب راست
۲. برداشتن آب با دست راست
۳. ریختن آب روی دست چپ (طوسی، [بی‌نا، بی‌تا] قم، ص ۳۹).

مستحبات وضو

- مستحبات وضو را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:
- الف) مستحباتی که قبل از آغاز وضو انجام می‌شود و آنها عبارت‌اند از:
۱. مسواک زدن که تأکید بسیاری بر آن شده است،
 ۲. رو به قبله بودن متوضی در حال وضو، (مغنیه، ۱۴۲۱ق. / ج ۱، ص ۴۰)

۳. تسمیه؛ بدین معنا که نام خداوند را بر زبان جاری کند،
۴. شستن دستان تا مچ؛ یک مرتبه اگر از خواب بیدار شده و یا استنجای از بول داشته است و دو مرتبه اگر استنجای غایط بوده است.
- مضمضه؛ بدین معنا که آب را داخل دهان بچرخاند و خارج کند که مستحب است این عمل سه مرتبه انجام گیرد.
۵. استنشاق؛ بدین معنا که آب را داخل بینی کرده و خارج کند که مستحب است سه مرتبه انجام گیرد.
۶. شستشویهای مستحب را همانند شستشویهای واجب با همان روش و کیفیت انجام دهد.
۷. خواندن دعاهای مأثور هنگام تسمیه، مضمضه، استنشاق و افعال واجب وضو (طوسی، الجمل و العقود فی العبادات، بی‌نا، بی‌تا، ص ۴۰).
- (ب) مستحباتی که مقارن اتیان واجبات وضو انجام می‌شود که عبارت‌اند از:
۱. شستن صورت و دستها دو مرتبه.
 ۲. مسح قسمت جلوی سر، به اندازه سر انگشت بسته.
 ۳. مسح پاها با کف دستان از سر انگشتان تا برآمدگی روی پاها.
 ۴. مردها هنگام شستن دستها آب را از پشت آرنجها ریخته و خانمها آب را از جلوی آرنجها بریزند. (طوسی، الجمل و العقود فی العبادات، بی‌نا، بی‌تا، ص ۴۱).
 ۵. آب مقدار وضو یک مد باشد نه بیشتر؛ چراکه زاید بر این اسراف و نشانه وسواس خواهد بود و مقصود از مد نزدیک به سه چهارم کیلو می‌باشد. (نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، هفتم بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۱)

آداب وضو از دیدگاه عامه

با توجه به آنچه در تعریف و تعیین مصداق مستحب، مندوب، سنت و... در فقه مذاهب اربعه عامه گذشت و از آنجا که بعضاً بین این الفاظ و معانی آنها اشتراک نظر داشته و برخی دیگر معانی آنها را متفاوت می‌دانستند وظیفه مکلف را نسبت به برخی از آنها متفاوت، لاجرم باید به دیدگاه هر چهار مذهب پیرامون این مستحبات و سنن اشاره شود:

حنفی‌ها

ایشان میان سنن و مستحبات، تفاوت قائل شده و سنن را به دو دسته مؤکده و غیر مؤکده تقسیم کردند که سنن مؤکده در نزد ایشان واجب و یک مرحله پایین‌تر از فرض قرار داشتند، سنن مؤکده (واجب و لازم) به شرح زیر می‌باشد:

۱. تسمیه؛ جاری ساختن نام باری تعالی که قبل از آغاز وضو لازم است.
 ۲. شستن دست‌ها تا مچ دست.
 ۳. مضمضه و استنشاق که در نزد حنفیه سنت مؤکد است و ترک کردن آن گناه.
 ۴. تخلیل؛ بدین معنا که هنگام وضو بعضی از انگشتان را داخل بعض دیگر کرده و از رسیدن آب اطمینان حاصل نماید.
 ۵. شستن سه بارهٔ اعضای وضو.
 ۶. مسح تمام سر.
 ۷. نیت؛ بدین معنا که غایت وضو را معین نماید، هرچند برخی از حنفیه آن را جزو مستحبات دانسته‌اند.
 ۸. ترتیب؛ یعنی افعال وضو را طبق ترتیب آیهٔ شریفهٔ وضو انجام دهد.
 ۹. فوریت در انجام افعال وضو، که همان موالات مصطلح است.
 ۱۰. مسواک زدن قبل از وضو. (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۴۷؛ ابن رشد، خالد عطار، ۱۴۱۵، اول / ج ۱، ص ۹)
- و اما برخی از سنت غیر مؤکده در نزد حنفیه که همان مستحبات، مندوبات، آداب وضو و... می‌باشد بدین شرح است:
۱. نشستن در مکان بلند به هنگام وضو، بدین جهت که ترشحات آب استفاده شده به متوضی اصابت نکند.
 ۲. تکرار شهادتین هنگام شستن یا مسح هر عضو وضو.
 ۳. با آبی که با نور خورشید گرم شده است وضو نسازد.
 ۴. آب مضمضه و استنشاق را در ظرفی که آب وضو در آن است نریزد.
 ۵. جابه‌جا کردن انگشتری که در انگشت است و آب به زیر آن می‌رسد و اگر آب به زیر آن نمی‌رسد جابه‌جا کردن آن واجب است.
 ۶. با دست راست برای مضمضه و استنشاق آب بردارد و... (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۵۴).

مالکی‌ها

با توجه به تعریفی که ایشان از سنّت ارائه کرده و سنّت را به دو قسمت مؤکده؛ به این معنا که بر آن تأکید و سفارش بسیار شده و شارع آن را از مکلف درخواست کرده، هرچند مکلف در صورت عدم اتیان معاقب نخواهد بود و چنانچه اتیان کرد اجر و پاداش خواهد داشت، برخی از این گروه عبارت‌اند از:

۱. شستن دست‌ها تا مچ قبل از وضو
 ۲. مضمضه
 ۳. استنشاق
 ۴. استنثار؛ بدین معنا که با نفس و انگشتان دست آب و مخاطهای بینی را خارج کند.
 ۵. مسح گوش‌ها، داخل و خارجشان.
 ۶. استفاده از آب جدید برای گوش‌ها.
 ۷. ترتیب بین اعضای وضو.
 ۸. مسح سر، اگر از مسح اول در دستانش رطوبتی باقی مانده است.
 ۹. جابه‌جا کردن انگشتری که در دست دارد، اگر یقین دارد آب به آن می‌رسد. (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۴۸).
- و اما برخی از سنی که مالکی‌ها آن را مؤکد ندانسته و تحت عناوینی همچون فضایل و آداب بیان کرده‌اند:

۱. وضو گرفتن در مکان پاک و طاهر.
۲. تقدیم جانب ایمن (راست) بر ایسر (چپ).
۳. قراردادن ظرفی در باز، در سمت راست که بتواند به راحتی از آن آب بردارد.
۴. شروع از ابتدای عرفی اعضا، مثل بالای صورت و جلوی سر و...
۵. مسواک زدن قبل از وضو و... (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۴۸).

حنبلی‌ها

با توجه به تعریفی که این گروه از مستحب، سنّت، مندوب و... ارائه کرده و فرقی میان آن‌ها قائل نشده‌اند، برخی از مستحبات وضو در نظر ایشان عبارت‌اند از:

۱. استقبال قبله.
۲. مسواک هنگام مضمضه.

۳. شستن دست‌ها، سه مرتبه قبل از وضو.
۴. تقدیم مضمضه و استنشاق بر صورت.
۵. انجام دادن مضمضه و استنشاق با شدت بسیار، مگر در مورد روزه دار.
۶. استفاده بسیار از آب برای صورت؛ چرا که مو در آن وجود دارد.
۷. رساندن آب به پوست برای کسی که ریش بسیار دارد.
۸. دوبار شستن اعضای وضو و... (ابن حزم، تحقیق: لجنه احياء التراث العربی، بی- تا، ج ۲، ص ۵۰)

شافعی‌ها

ایشان نیز تفاوتی میان معنای سنت، مستحب، مندوب، فضیلت و... ندانسته و مستحبات

وضو در نزد ایشان زیاد است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

استعاذه، گفتن: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

۱. تسمیه؛ گفتن: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

۲. نیت انجام مستحبات وضو در قلب هنگام تسمیه.

۳. شستن دست‌ها.

۴. مضمحنه و استنشاق.

۵. خواندن دعاهای وارده، هنگام افعال وضو و... (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱،

ص ۱۴۹).

با توجه به آنچه گذشت مستحبات و آداب وضو در نزد فریق عامه واضح گردید.

منابع فارسی

۱. الهی قمشه‌ای، مهدی، ترجمه قرآن کریم، چاپ دوّم، الهادی - قم، ۱۳۸۰ ش.
۲. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ: دوم، انتشارات اسلامی، تهران، ایران ۱۳۷۸ ش.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ پانزدهم، مدرسه الامام امیر المومنین علیه السلام قم ۱۳۷۹ ش.
۴. موسوی خمینی، روح الله، رساله توضیح المسائل، چاپ بیستم، پیام عدالت - تهران ۱۳۸۸ ش.
۵. موسوی همدانی، محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ: پنجم، انتشارات جامعه مدرسین، قم - ایران - ۱۳۷۴ ق.
۶. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، تهران، ایران، ۱۳۷۱ ش.

منابع عربی:

۷. ابن ابی شیبّه، عبدالله بن محمد بن ابی شیبّه، المصنّف فی الاحادیث والآثار، چاپ دوّم، دارالسلفیه هند، ۱۳۹۹ ق.
۸. ابن الحمام - محمد بن عبد الوهاب، فتح القدير، دار صادر، بیروت، لبنانی [بی تا].
۹. ابن حاجب مالکی، عثمان بن عمر بن الحاجب، جامع الأمهات (مختصر ابن حاجب) تحقیق: اخضر الأخری، چاپ دوّم، ۱۴۳۱، دار الیمامه، بیروت، لبنان.
۱۰. ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد بن سعید، المحکلی، تحقیق: لجنة احياء التراث العربی، دار الافاق الجديده بیروت [بی تا].
۱۱. ابن حزم، احمد بن سعید بن حزم، الاحکام فی اصول الاحکام، دارالکتب العلمیه، بیروت، [بی تا].
۱۲. ابن رشد، محمد ابن احمد قرطبی اندلسی، بدایة المجتهد و نهایة المقصد، تحقیق: خالد عطار، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۵ و چاپ اول: مطبعة الأمير، ایران، ۱۳۸۹ - ق. و نرم افزار المكتبة الشاملة الكبرى، الإصدار الثاني.
۱۳. ابن عابدين - ابن عابدين حنفی، ردّ المحتار علی الدرّ المختار، احياء التراث العربی، بیروت، لبنان [بی تا].
۱۴. ابن عبد البرّ يوسف بن عبد الله بن محمد ابن عبد البرّ، فتح المالک بتبویب التمهید، تحقیق دکتر مصطفی صمیده، چاپ اول دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. ابن عبد البرّ، يوسف بن عبد الله محمد بن عبد البرّ، التمهید، لما فی الموطأ من المعانی و الأسانید، مطبعة فضاله - المحمديه [بی تا].

١٦. ابن قدامه، عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه، المغنى، تحقيق، جماعة من العلماء، دارالكتب العربى، بيروت، لبنان [بى تا].
١٧. ابن كثير، ابى الفداء اسماعيل بن كثير، تفسير القرآن العظيم، دارالمعرفه، بيروت لبنان، ١٤٠٧ق.
١٨. ابن كثير، ابى الفداء اسماعيل بن كثير، سيرة النبوية، تحقيق مصطفى عبد الواحدف دارالمعرفه للطباع و النشر و التوزيع، بيروت ١٣٩٦
١٩. ابن ماجه، محمد بن يزيد بن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمود فؤاد عبدالباقي، دارالكتب العلميه، بيروت، لبنان [بى تا].
٢٠. ابن منظور، ابى فضل جمال الدين محمد بن مكرم مصرى، لسان العرب، ادب الحوزه، قم، ١٤٠٥
٢١. ابو حيان اندلسى، محمد بن يوسف، البحر المحيط، چاپ: دوّم، دار الاحياء التراث العربى مؤسسه التاريخ العربى، بيروت - لبنان، ١٤١١ق.
٢٢. ابو هلال عسكرى، حسن بن عبد الله، الفروق اللغويه، تحقيق: مؤسسه النشر الاسلامى، انتشارات جامعه مدرسين، قم ١٤١٢
٢٣. ابو زيّه، شيخ محمود، أضواء على السنة المحمدية، دار الكتب الاسلامى [بى تا] [بى جا].
٢٤. ابى داوود سجستانى، سليمان بن اشعث، سنن ابى داوود، تحقيق: محمد لحام، دارالفكر، بيروت/١٤١٠ق.
٢٥. احمد بن حنبل، مسند/حمد، بيروت، [بى تا].
٢٦. انصارى، ذكريا بن محمد، فتح الوهاب، تحقيق و نشر، دارالكتب العلميه، بيروت، لبنان، ١٤١٨
٢٧. آلوسى بغدادى، ابى الفضل، شهاب الدين محمد، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثانى، انتشارات جهان، تهران [بى تا].
٢٨. بحراني، سيد هاشم، البرهان فى تفسير القرآن، بنياد بعثت، چاپ اول، تهران، ايران، ١٤١٦ق.
٢٩. بخارى، ابى عبدالله محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، دارالفكر، بيروت ١٤١٠
٣٠. بستانى، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدى، مترجم: رضا مهيار، اسلامى، تهران ١٣٧٥
٣١. بغوى، حسين بن مسعود، معالم النزىل فى تفسير القرآن، دار احياء التراث العربى، بيروت، لبنان، ١٤٢٠ق.
٣٢. بيهقى، ابى بكر احمد بن حسين بن على بيهقى، السنن الصغير، چاپ اول: ١٤١٠ق. [بى جا]
٣٣. بيهقى، ابى بكر احمد بن حسين بن على بيهقى، السنن الكبرى، دارالمعرفه [بى تا]، بيروت، لبنان.
٣٤. جزيرى، عبد الرحمان، الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت عليه السلام، چاپ: اول



- بیروت، لبنان، ۱۴۱۹ق.
۳۵. جصاص، ابی بکر احمد بن علی، احکام القرآن، دار الکتب العربی، بیروت، لبنان [بی تا] و نرم افزار المكتبة الشاملة، الاصدار الثاني.
۳۶. جمعی از اساتید حوزه علمیه قم، معنی الأديب، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ ششم، ۱۳۷۸ش.
۳۷. جوینی، عبد الملک بن عبد الله بن يوسف (امام الحرمین جوینی) البرهان فی اصول الفقه، تحقیق و تعلیق: صلاح محمد بن عویضه، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان ۱۴۱۸ق.
۳۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، بی تا.
۳۹. حسینی شهرستانی، سید علی، مجله فکریه فصلیه متخصصه، المصباح، آیه الوضوء و اشکالیه الدلاله بین القراءة و النحو المأثور، (۲۰۰۱ م ۱۴۳۲ق.) العتبة الحسينية المقدسة.
۴۰. حصفکی، علاء الدین، الدر المختار شرح تنویر الابصار، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵
۴۱. حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق. قم، ایران.
۴۲. حلّی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق. قم، ایران.
۴۳. حلّی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، المعتمد فی شرح المختصر، چاپ اول، مؤسسه سید الشهداء، قم، ایران، ۱۴۰۷ق.
۴۴. خطیب شربینی، شیخ محمد، معنی المحتاج، دار احیاء التراث العربی، مؤسسه تاریخ العربی، بیروت، لبنان، ۱۳۷۷ق.
۴۵. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، چاپ: اول، مؤسسه دار العلم [بی تا] قم، ایران.
۴۶. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، [بی تا، بی جا، بی تا].
۴۷. راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، قم، ۱۴۰۵ق. چاپ دوم. کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی.
۴۸. رشید رضا، سید محمد، المنار، دارالمعرفه، بیروت [بی تا].
۴۹. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ: سوم. دار الکتب العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۷۰ق. و دار المعرفه، بیروت [بی تا].
۴۹. سرخسی، شمس الدین محمد بن احمد، المبسوط، دار المعرفه، بیروت ۱۴۱۴ق. و نرم افزار المكتبة الشاملة، الإصدار الثاني.
۵۰. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمان بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، دار المعرفه / [بی تا] ۱۳ ۶۵

٥١. سيوطي، جلال الدين، عبد الرحمن بن ابي بكر، الخصائص الكبرى، دارالكتب الحديث [بي جا، بي تا].
٥٢. شاشي قفال، ابي بكر محمد بن احمد، حلية العلماء في معرفة مذاهب الفقهاء، دارالباز، مكتبة الرسالة الحديثة، مكة المكرمة، [بي تا].
٥٣. شافعي، ابو عبدالله محمد بن ادريس، الأم، دار الشعب [بي تا، بي جا] و نرم افزار المكتبة الشاملة، الإصدار الثاني.
٥٤. شريف مرتضى، على بن حسين موسوي، الانتصار في انفرادات الإمامية، دفتر نشر اسلامي، چاپ اول، قم، ايران، ١٤١٥ق.
٥٥. شريف مرتضى، على بن حسين موسوي، جمل العلم والعمل [بي تا] [بي جا].
٥٦. شيخ طوسي، ابي جعفر، محمد بن حسن، الاقتصاد والهادي الى طريق الرشاد، تحقيق، شيخ سعيد خيام، قم، ايران ١٤٠٠ق.
٥٧. صنعاني، ابي بكر عبد الرزاق بن همام، المصنف، تحقيق، عبد الرحمن الأعظمي، مجلس علمي، [بي جا، بي تا]
٥٨. طباطبائي حكيم، سيد محسن، مستمسك العروة الوثقى، چاپ: اول، مؤسسة دار التفسير قم، ايران، ١٤١٦ق.
٥٩. طبرسي، امين الاسلام ابي على فضل بن حسن، مجمع البيان، چاپ: سوم ناصر خسرو، تهران، ايران، ١٣٧٢ش.
٦٠. طبرسي، امين الاسلام، ابي على فضل بن حسن، جوامع الجامع، چاپ: اول انتشارات: دانشگاه تهران و مديريت حوزه علميه قم، تهران، ايران، ١٣٧٧ش.
٦١. طبري ابي جعفر محمد بن جرير، تاريخ الأمم والملوك، تحقيق: نخبة من العلماء، مؤسسة الأعلمی بیروت [بي تا].
٦٢. طبري، ابي جعفر محمد بن جرير، جامع البيان، توثيق: صدقي جميل عطار دارالفكر، بيروت / ١٤١٥ق.
٦٣. طريحي، فخر الدين، مجمع البحرين، تحقيق: سيد احمد حسيني، مكتب نشر الثقافة الاسلاميه، [بي جا] ١٤٠٨ق.
٦٤. طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، الجمل والعقود في العبادات، [بي نا، بي تا] قم، ايران.
٦٥. طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، المبسوط في فقه الاماميه، چاپ: سوم المكتبة المرتضوية لآثار الجعفريه، تهران، ايران، ١٣٨٧ق.
٦٦. طوسي، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، چاپ: اول دارالكتب



- الاسلامیه، تهران، ایران، ۱۳۹۰ق.
۶۷. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، چاپ: چهارم دار الکتب الاسلامیه، تهران، ایران، ۱۴۰۷ق.
۶۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، [بی تا].
۶۹. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الخلاف، چاپ: اول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ایران، ۱۴۰۷ق.
۷۰. عاملی، بهاء الدین، مشرق الشمسین، مکتبه بصیرتی، قم، ایران، ۱۳۸۹
۷۱. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، تهذیب التهذیب، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان ۱۴۱۵ق.
۷۲. عکبری، ابو البقاء عبد الله بن الحسین، إملاء ما من به الرحمان، من وجوه الاعراب و القراءآت فی جمیع القرآن، المطبعة المیمینه مصر، [بی تا].
۷۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، تحقیق، گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) چاپ: اول، مؤسسه آل البيت، قم، ایران، [بی تا].
۷۴. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء چاپ دوم بیروت، لبنان ۱۴۰۳ق.
۷۵. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسین، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، چاپ سوم، دار الکفر، بیروت، لبنان ۱۴۰۵ق. و چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۲۰ق.
۷۶. فقه عبادات شافعی، نرم افزار المکتبه الشامله، الاصدار الثانی و <http://www.shamela.ws>
۷۷. فقه عبادات مالکی، نرم افزار المکتبه الشامله، الاصدار الثانی و <http://www.shamela.ws>
۷۸. قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التأویل، تحقیق: عیون السود، چاپ: اول دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۸ق.
۷۹. قشیری، ابی الحسین مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت [بی تا].
۸۰. قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم انتشارات جامعه مدرسین، قم، ایران.
۸۱. کاتب واقدی، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، لجنة نشر الثقافه الاملامیه بدار جمعیه الجهاد الاسلامی، قاهره، مصر و دار الکتب العلمیه، لبنان بیروت.
۸۲. کاشانی، ابی بکر، علاء الدین بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، مکتبه حبیبیه

- پاکستان [بی تا] و شرکت المطبوعات العلمیہ، مصر، چاپ اول ۱۳۲۷ق. و نرم افزار
المکتبة الشاملة، الإصدار الثاني.
۸۳. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق: عَفَّارِی، دار الکتب الاسلامیة
(آخوندی) [بی جا] ۱۳۸۸ق.
۸۴. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ: چهارم، دار الکتب الاسلامیة، تهران،
ایران ۱۴۰۷ق.
۸۵. مالک، مالک بن انس اصبحی، الموطأ، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، [بی تا].
۸۶. ماوردی، علی بن محمد بن حیب، الحاوی الکبیر، تحقیق: جماعة من المحققین،
دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۸۷. متقی ہندی، علاء الدین بن حسام الدین، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری، جہانی، مؤسسة
الرسالہ بیروت، لبنان [بی تا].
۸۸. مغنیہ، محمد جواد، الفقہ علی المذہب الخمسہ، چاپ: دہم، دار التیار الجدید، دار الجواد
بیروت، لبنان ۱۴۲۱ق.
۸۹. نجفی، محمد حسن بن باقر (صاحب جواهر) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام،
چاپ: ہفتم بیروت، لبنان [بی تا].
۹۰. نووی، محیی الدین بن شرف، المجموع فی شرح المہذب، دارالفکر، بیروت، [بی تا] و
نرم افزار المکتبة الشاملة، الإصدار الثاني.
۹۱. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، شرح مسلم، دارالکتب العربی، بیروت ۱۴۰۷ق.
۹۲. ہیثمی، نور الدین بن ابی بکر، بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث، تحقیق: مسعد عبد
الحمید محمد السعدانی، دار الطلائع [بی جا، بی تا].